

■ سینمای ایران در چند سال اخیر ورود بیشتری به موضوعات جامعه ایرانی داشته است؛ نمونه این موضوع در جشنواره فجر امسال را می‌توان ساخت ۲ فیلم «روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعیبی و «روز صفر» سعید ملک‌ان دانست. روز بلوای بهروز شعیبی داستانی است که در بستر مشکلات اقتصادی و بانکی کشور و با ارجاع به موسسات مالی ساخته شده است؛ فیلمی که می‌توان آن را اولین اقدام جدی سینمای ایران در زمینه پرداختن به مشکلات اقتصادی و بانکی کشور دانست

پرونده «وطن امروز» درباره برخی از مهم‌ترین فیلم‌هایی که با الهام از اتفاقات و موضوعات روز ساخته شدند

واقعیت‌نمایی روی پرده

گروه فرهنگ و هنر: زنده بودن سینما را می‌توان در واکنش آن به اتفاقات روز نیز مشاهده کرد. هر چقدر سینما بتواند جلوه‌دهنده این اتفاقات و تحولات باشد، در جامعه با گرایش بیشتری نیز همراه و به عبارتی سینمایی مردمی تر خواهد بود. سینمای ایران در چند سال اخیر ورود بیشتری به موضوعات جامعه ایرانی داشته است؛ نمونه این موضوع در جشنواره فجر امسال را می‌توان ساخت ۲ فیلم «روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعیبی و «روز صفر» سعید ملک‌ان دانست. روز بلوای بهروز شعیبی داستانی است که در بستر مشکلات اقتصادی و بانکی کشور و با ارجاع به موسسات مالی ساخته شده است؛ فیلمی که می‌توان آن را اولین اقدام جدی سینمای ایران در زمینه پرداختن به مشکلات اقتصادی و بانکی کشور دانست. آن هم در شرایطی که جامعه ایرانی در چند سال اخیر مشکلات بسیاری در این زمینه داشته است. «روز بلوا» چهارمین ساخته سینمای بهروز شعیبی است و به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قصه‌اش به مسائل روز اقتصادی کشور گره خورده، در جشنواره فجر امسال بحث‌های بسیاری پیرامون این اثر شکل بگیرد. «روز صفر» هم عنوان پروژه‌ای است که در ارتباط با فعالیت‌های تروریستی عبدالملک ریگی، تروریست مشهور شرق کشور ساخته شده و به عنوان یکی از آثار بخش سودای سیمیرغ جشنواره امسال قرار است به رقابت با سایر آثار این بخش بپردازد. این فیلم نیز در زمره آثاری است که یک حادثه یا واقعه اجتماعی روز را به عنوان سوژه محوری خود انتخاب کرده است. حضور این دو فیلم در جشنواره فجر امسال بهانه‌ای شد تا با مرور آثار تولید شده در چند سال اخیر سینمای ایران، به معرفی و بررسی برخی از مهم‌ترین آثار تولید شده پیرامون اتفاقات و حوادث روز بپردازیم.

دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸
وطن امروز | شماره ۲۸۵۳
سینما



تصویر اختصاصی «وطن امروز» از فیلم‌سینمایی «روز بلوا»

چهارراه استانبول

سال اکران: ۱۳۹۷

تعداد تماشاچی: ۳۴۷ هزار و ۱۷۰ نفر

میزان فروش: ۲ میلیارد و ۶۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان



درباره فیلم: صبح روز پنجشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۵ در چهارراه استانبول واقع در مرکز تهران، ساختمان تجاری پلاسکو آتش گرفت و در فاصله کوتاهی در مقابل دوربین‌های خبری فروریخت. آتش‌سوزی و در پی آن فروریختن کامل ساختمان پلاسکو در رسانه‌های بین‌المللی بازنتاب گسترده‌ای داشت. در پی این واقعه مصطفی کیایی، سال ۱۳۹۶ فیلمی را با همین موضوع ساخت و اولین نمایش آن هم در جشنواره سی‌وششم فجر بود. حادثه پلاسکو و شهادت آتش‌نشان‌ها به دلیل همراهی و همدردی از سوی مردم، دارای ظرفیت عظیمی است که همچنان می‌تواند در شاخه‌های مختلف هنری استفاده شود. کیایی پیش از ساخت «چهارراه استانبول» با گلابه نسبت به عدم حمایت ارگان‌ها در تولید این فیلم گفته بود هیچ از گاتی برای ساخت این فیلم کمک نکرده بود مگر خود سازمان آتش‌نشانی، چون فکر می‌کرده این فیلم درباره قضیه پلاسکو ساخته می‌شود. فاصله ارکان این فیلم با واقعه آتش‌سوزی پلاسکو کمتر از ۲ سال بود ولی آنچنان که گمان می‌رفت با اقبال مخاطبان سینما همراه نبود. شاید به خاطر اینکه چهارراه استانبول به هیچ عنوان فیلمی درباره ساختمان پلاسکو نبود، بلکه فیلمی اجتماعی درباره اشتغال، کارگران و کسب‌وکار بود.

داستان فیلم: «چهارراه استانبول» روایت قصه بهمن (با بازی بهرام رادان) و آخدا (با بازی محسن کیایی) است که به خاطر واردات بی‌رویه پوشاک خارجی دچار ورشکستگی شده‌اند و حالا تصمیم می‌گیرند با شرکت در یک قمار، آخرین شانس‌شان را هم امتحان کنند. لادن (با بازی ماهور الوند) علاقه‌مند به ازدواج با احد است و شیبی از دست پدرش به او و کارگاهش در ساختمان

به وقت شام

سال اکران: ۱۳۹۷

تعداد تماشاچی: یک میلیون و ۶۲۸ هزار و ۹۶۸ نفر

میزان فروش: ۱۲ میلیارد و ۹۹ میلیون و ۹۱۰ هزار تومان



درباره فیلم: وقتی «به وقت شام» در جشنواره سی‌وششم فجر رونمایی شد، ۲ منتقد در برنامه‌ی تلویزیونی به کنایه و تمسخر فیلم تازه حاتمی کیا پرداختند. شاید به خاطر همین کنایه‌ها بود که حاتمی کیا در اختتامیه جشنواره فیلم فجر بشت از صدوسیما بویژه شبکه‌های ۲ و ۳ تلویزیون گلابه کرد و گفت: «افتخار می‌کنم فیلمی ساخته‌ام درباره مدافعان حرم و افتخار می‌کنم برای ساخت این فیلم از عزیزی مثل حاج قاسم سلیمانی جایزه گرفتم». اشاره ابراهیم حاتمی کیا به اظهارات شهید حاج قاسم سلیمانی بود که بعد از تماشای این فیلم گفته بود: «فیلم «به وقت شام» مرا به گریه انداخت؛ از طرف مجاهدین و رزمندگان از حاتمی کیا تشکر می‌کنم».

داستان فیلم: این فیلم به داستان خلیبان و کمک‌خلیبان هوایی‌های ایرانی می‌پردازد که برای انتقال کمک‌های یشردوستانه به سوریه پرواز می‌کنند اما با اتفاقاتی که رخ می‌دهد در چنگال تروریست‌های داعش اسیر می‌شوند. **نظر کارگردان:** یکی از نکات در چرسته درباره فیلم «به وقت شام» ارکان آن در کشور سوریه است. ابراهیم حاتمی کیا در نشست خبری خود که به مناسبت اکران این فیلم برپا شده بود، گفت: «خدا را شاکرم قبل از وقوع فاجعه در بوسنی، من فرصت پیدا کردم در روزهایی که هنوز جنگ به اتمام نرسیده بود، فیلمی داستانی از شرایط موجود در آنجا بسازم که متأسفانه هرگز موفق به دیدار با افراد بوسنیایی و مشاهده واکنش آنها نسبت به فیلمم نشدم ولی در مقابل بسیار خوشحالم که موفق به دیدن واکنش مردمان سوری نسبت به دیدن فیلم «به وقت شام» شدم. من از جهت فیلمسازی مایل بودم که صفر تا صد این فیلم را کاملاً در سوریه بسازم اما شرایط به گونه‌ای بود که امکان ساختن فیلم در اینجا- مثلاً در شهر دمر- از ما سلب شد».

قاتل اهلی

سال اکران: ۱۳۹۶

تعداد تماشاچی: ۲۷۹ هزار و ۵۵۲ نفر

میزان فروش: ۲ میلیارد و ۴۴۹ میلیون و ۶۵۹ هزار تومان



درباره فیلم: مسعود کیمیایی بعد از ۵۰ سال فیلمسازی قرار بود سال ۹۶ فیلمی درباره مفاسد اقتصادی و اثر گذاری مافیاهای اقتصادی بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور بسازد. خودش گفته برای این فیلم ۲ سال وقت گذاشته است ولی نتیجه آن چیزی نشد که حتی طرفدارانش از سینمای کیمیایی انتظار داشتند. فیلم با تمام حواشی که داشت اکران شد و یکی از انتقادات که به این اثر سینمایی شد اینکه دیالوگ‌های فیلم گنگ است اما کیمیایی این را هم قبول نداشت و در پاسخ به این انتقادات گفته بود: «این را درباره بیشتر فیلم‌های من گفته‌اند و بعد از چند سال همان کسانیکه این حرف‌ها را زده‌اند این فیلم‌ها را در فهرست بهترین‌های‌شان آورده‌اند. من در روزهای درگیری و شلوغی جشنواره هم گفتم که وقتی فیلمسازی نیستید و این داستان را نمی‌شناسید، درباره آن صحبت نکنید. این را هم باید بداند که دیالوگ‌های این فیلم به‌طور کامل نظر روزنامه‌ای است چون موضوع آن برای روزنامه و رسانه است».

داستان فیلم: دکتر جلال سروش (برویز پرستویی)، کارآفرین موفق بخش خصوصی، تصمیم به افشای خیانت‌های شرکت پیسارو که مافیای قدرت و ثروت است می‌گیرد. سیواش مطلق (امیر جدیدی) و احمد کیا (حمیدرضا آذرنگ) فرزندخوانده‌های سروش‌اند و سیواش نه‌تنها مورد اعتمادترین فرد نزد سروش است، بلکه دلبسته مهتاب (پگاه آهنگرانی)، دختر او هم هست اما مهتاب رابطه عاطفی با بهمن (پولاد کیمیایی)، خواننده پاپ دارد. چالش‌های دکتر سروش با گروه پیسارو و تلاش سروش برای حفظ سلامت اقتصادی خود با وجود همه فشارهای بیرونی و لای‌های قدرتمند حامی پیسارو، محور اصلی قصه این فیلم است. **نظر کارگردان:** نظرات کارگردان درباره «قاتل اهلی» بیش از آنکه معطوف به فیلم باشد به حاشیه‌هایش با تهیه‌کننده این فیلم مربوط است. او بعد از اینکه فیلم با اقبال مخاطبان مواجه نشد، هنگام اکران فیلمش به ریشه‌های این اختلاف اشاره کرد و گفت: «یک روز رفتم سر صحنه و طبق روال قرار بود سکانس باقیمانده را فیلمبرداری کنیم که به ما گفتند تهیه‌کننده اثاث را تحویل داده است. آن روز قرار بود یک سکانس خیلی مهم را فیلمبرداری کنیم؛ تهیه‌کننده خودش با آقای دقنان، تدوینگر فیلم صحبت کرده بود و گفته بود فیلم تمام شده است، در صورتی که از نظر من فیلم تمام نشده بود؛ این فیلم من نیست».



اشتباهات تاریخی‌مان را بازتولید می‌کنیم. خیلی زود فراموش می‌کنیم چه اتفاقی افتاده و دوباره آن را تکرار می‌کنیم. من به‌عنوان فیلمساز احساس می‌کنم اتفاقات سال ۶۰ را جامعه ما براحقی دارد فراموش می‌کند و هم‌زمان احساس می‌کنم در بطن جامعه و در ناخودآگاه جامعه میل به بازتولید خفونت وجود دارد. این فیلم یک یادآوری تاریخی است برای اینکه بگویید تماشاگر امروز! بین! خفونت تا آن حد اعلامش همین ۳۵ سال پیش اتفاق افتاده است. ببین چگونه بوده است! مهم‌ترین کارکرد فیلم به نظر من این است. همین است که می‌گویم کارکرد اجتماعی فیلم اهمیت دارد. اگر از تاریخ یا سیاست یا سینما دارم استفاده می‌کنم همه در خدمت همین ایده است که بتوانم آن را بپرورانم. اگر در جایی ببینم که نهن تاریخ کمکی به این ایده نمی‌کند، تخیل می‌کنم. اگر ببینم که تاریخ به من کمک می‌کند این ایده را بهتر بیان کنم از تاریخ استفاده می‌کنم. اگر ببینم سیاسی می‌تواند کمک کند از آن استفاده می‌کنم. اگر یک جور رفتار سینمایی به من کمک می‌کند، همان را انتخاب می‌کنم. در نهایت دغدغه اصلی من و مساله اصلی من این است که این موضوع توسط تماشاگر درک شود.

شب‌ی که ماه کامل شد

سال اکران: ۱۳۹۸

تعداد تماشاچی: یک میلیون و ۷۰۶ هزار نفر

میزان فروش: ۱۹ میلیارد و ۱۳ میلیون تومان



درباره فیلم: نرگس آبیاری با فیلم «شیار ۱۴۳» مشهور شد و با فیلم «نفس» خوددش را به عنوان یک فیلمساز موفق در ذهن مخاطبانش تثبیت کرد. اما فیلم «شب‌ی که ماه کامل شد» تفاوت‌های فرمی و مضمونی با ۲ فیلم قبلی آبیاری داشت. جسارتی که آبیاری برای ساخت فیلم چهارمش به خرج داده بود، برای او ۶ جایزه جشنواره فیلم فجر را به همراه داشت. «شب‌ی که ماه کامل شد» داستان واقعی عاشقانه‌ای است؛ مردی که به گروه‌های پیوسته است که قرآنی تند و تکفیری در اسلام دارد. در «شب‌ی که ماه کامل شد» تعارض بین ایدئولوژی و زندگی به نفع ایدئولوژی تندخویانه تکفیری تمام می‌شود و پایانی غم‌انگیز را برای یک زندگی عاشقانه رقم می‌زند.

داستان فیلم: جوانی سیستانی به نام عبدالحمید ریگی عاشق دختر جوانی به نام فائزه می‌شود. فائزه با وجود مخالفت‌های مادرش با این ازدواج و فرستادن تنها دخترش به راه دور، با عبدالحمید ازدواج می‌کند و راهی سیستان و بلوچستان می‌شود ولی به مرور زمان متوجه مشکلات موجود در خانواده ریگی می‌شود. در سیر داستان عبدالحمید به پاکستان می‌رود، شخصیت و رفتار او تحت تاثیر برادرش عبدالحمید (با همان عبدالملک) عوض می‌شود اما راهی پاکستان می‌شوند. فائزه و برادرش در این سفر به قتل می‌رسند؛ فائزه وقتی در خواب بود، به ضرب گلوله عبدالحمید کشته می‌شود و برادر فائزه هم به دست عبدالملک کشته می‌شود.

نظر کارگردان: «این فیلم بر اساس ماجرای واقعی ساخته شده و نزدیک ۷ ماه درباره این موضوع تحقیق کردم و حتی به مناطقی که این اتفاقات در آن رخ داده بود، سفر کردم. برای من از این جهت پرداخت داستانی به چنین موضوعی مهم بود که با نگاهی به اتفاقاتی که در منطقه رخ می‌دهد، متوجه می‌شوم موضوعی که در فیلم به آن پرداخته شده، موضوع روز است و گفتم شاید سرسوزنی برای کسانی چالش ایجاد کند که ممکن است مبتلا به وضعیت عبدالحمید شوند».

مزار شریف

سال اکران: ۱۳۹۴

تعداد تماشاچی: ۱۳۵ هزار و ۲۸۰ نفر

میزان فروش: ۵۵۵ میلیون و ۷۹۶ هزار تومان

درباره فیلم: فیلم سینمایی «مزار شریف» هم درباره یکی از اتفاقات مهم تاریخ معاصر ایران بود. ماجرای حمله به کنسولگری ایران در افغانستان توسط طالبان پاکستان برای ایجاد نزاع و درگیری میان ایران و افغانستان موضوعی بود که سوژه محوری ساخت این اثر سینمایی شد؛ اثری که البته با وجود تلاش‌های بسیار عبدالحسن برزیده- کارگردان آن- در نهایت نتوانست نظر مثبت و حمایت منتقدان را به دست آورد. فیلم به دلیل فقدان داستان متناسب با مضمون سینمایی پشت ریتیم کند و آزاردهنده‌ای دارد. مهم‌ترین انتقادات به این فیلم پیرامون فیلمنامه آن و باورپذیر درنیامدن آن بود. **داستان فیلم:** «مزار شریف» داستان کشتار دیپلمات‌های ایرانی در کنسولگری ایران در شهر مزار شریف افغانستان است که به دنبال هجوم نیروهای سپاه صحابه پاکستان منجر به شهادت ۱۰ نفر از کارکنان کنسولگری ایران شد. **نظر کارگردان:** عبدالحسن برزیده درباره



دلیل اهمیت این سوژه برای ساخت یک اثر سینمایی، در گفت‌وگویی گفته بود: مسأله کشتار دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف افغانستان یک مسأله ملی است که اگر برای هر کشور دیگری رخ می‌داد پیش از این بارها و بارها درباره آن فیلم ساخته بود. در ایران به چنین رخدادهایی یا پرداخته نمی‌شود یا اگر هم پرداخته شود، درست به آن توجه نمی‌شود. از همان ابتدا می‌خواستیم یک فیلم سینمایی درباره کشتار دیپلمات‌های ایرانی در افغانستان بسازم به همین دلیل سال ۷۷ با «الله‌داد شاهسون» تنها بازمانده این حادثه دیدار کردم و قرار بود در دیدار بعدی در رابطه با این حادثه و ساخت فیلمی درباره آن صحبت کنیم. متأسفانه بنا به دلایلی دیگر بین ما دیدار یا تماسی برقرار نشد تا اینکه سال ۷۸ به دیدار او رفتم و توانستم خاطراتش را از این حادثه بشنوم. البته در کنار او با شاهدان دیگری نیز که جزو دیپلمات‌هایی بودند که شب قبل از حادثه به ایران بازمی‌گردند صحبت کردم تا تحقیقات برای ساخت این فیلم سینمایی را به پایان رسانم. مخاطبان این فیلم سینمایی باید بدانند که ما نگاه صادقانه به این موضوع داشتیم.

